

دکتر اکبر اصغری تبریزی \*

ژان دولاھونتن (۱۶۹۵ - ۱۶۲۱)  
(به پانزدهمین سال در گذشت وی)

نام " لاهونتن " ، نامی است بس آشنا با ما ایرانیها : در واقع چه کسی است که حکایت‌های تمثیلی ( Fables ) معرُوف او را نخوانده یا دست کم نشنیده باشد ؟ حکایت‌هایی چون " زاغک و روباه " ، " گرگ و بره " و ... و ... که همگی منظوم و مشحون از حکمت و پند و اندرز است اما نه بالِسان خشک و موقر حکیمان و ناصحان بل که به زبان شوخ و مفرح جانوران ...

لاھونتن اثر خود را همراه با نامه‌ای که به عنوان " لویی " ، فرزند خردسال ولی ارشد لویی چهاردهم می نویسد و آنرا زیب دفتر اول آن می سازد ، به وی اهداء می کند ، در بخشی از این نامه می خوانیم : " این [ کتاب ] مصاحب خوبی برای نخستین سال‌های زندگانی شما خواهد بود . شما اکنون در سنی هستید که در آن تفریح و سرگرمی حتی برای شاهزادگان عملی برارنده و پسندیده است . اما

---

\* عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

در همان حال بر شماست که بخشی از افکار خود را همواره روی مسائلی خطیر و جدی معطوف نمائید (...). ظاهر آنها حکایت‌های تمثیلی ، و اینرا خود با شرمساری بسیار اعتراف می کنم ، کودکانه است ، اما همین ظاهر کودکانه آنها خود پوششی است بر حقایق و نکاتی بس بزرگ و عبرت آموز...

هدف نهایی و مقصود غایی نگارنده در تصنیف این حکایتها آن بوده است که شما بدون احساس کوچکترین رنج و ملال ، حتی با شوق و لذت تمام آنها را بخوانید تا ب تمام آنچه یک شاهزاده باید بداند و قوف یابید ..."<sup>(۱)</sup>

و اما در بخشی دیگر از دیباچه کتابش لافونتن چنین می نویسد:  
 " من از بین آنها [ حکایت‌های تمثیل ] . بهترینها را برگزیده ام ، لافل آنهايي را که خود بدین عنوان قبولشان داشتم ... آرزوی من آنستکه کودکان این حکایتها را همچون شیری که از پستان مادر می نوشند ، بنوشند. بردایه ها فرض است که آنها را در گهواره به گوش اطفال تحت سرپرستی خود زمزمه کنند ، چرا که برای کسب عادات و ملکات حمیده ، اخلاقی هیچ سنی مناسبتر از سنین کودکی نیست . "

راستی را بهتر نیست بجای آنکه در سنین بالاگفتار کژیها و کاستیهای اخلاقی خویش گردیم ، از همان سالهای نخستین حیات خود، یعنی آنگاه که نفس انسانی هنوز نسبت به مفاهیم کژی و راستی، خوبی و بدی بیگانه یا بی تفاوت است ، در صدد اصلاح آنها برآئیم ؟ باری این حکایتها منحصرآ جنبه اخلاقی صرف و اصلاح نفسانیات ندارند، بل که در عین حال متضمن نکاتی بس روشنگر و عبرت آموز ( اخلاق عملی) نیز هستند . در واقع ، چون خصایص و ویژهگیهای گونه‌گون حیوانات در قالب این حکایتها مورد دقت و مطالعه قرار گرفته است ، خصوصیات و حالات روحی ما آدمیان را از ورای آنها توان دریافته چه ما مخلوقات ذی‌شعور در حقیقت خلاصه و چکیده ای از نقاط ضعف و قوت موجودات بی‌شعور

هستیم . از اینروست که حکایت‌های لاهونتین را میتوان به یک تابلوی عظیم نقاشی تشبیه کرد، تابلویی که هریک از ما ابنای آدم نقش خود را در آن تواند دید : سالخوردگان تجربیاتی را که از بدو خوب ، تلخ و شیرین در طول سالهای دراز عمر خود اندوخته‌اند و خردسالان آنچه را که باید از این تجربیات بیاموزند ، در آن می یابند. و اما خردسالان به جهت آنکه تازه به این دیرکهن نبرنگباز و به این جهان هفت‌رنگ پای نهاده اند ، لاجرم هیچگونه شناختی از ساکنان آن ندارند. و لذا گذاشتن آنها در گرداب این جهل و بیخبری موافق رای خردمندان دادگر نتواند بود: برای تان است که آن نورسیدگان بیخبر و پاکدل را با ذات و سرشت یک شیر ، یک روباه و ... و ... آشنا نموده به آنان این نکته را تفهیم کنند که چرا گاهی فلان را به یک شیر و بهمان را به یک روباه مانند می کنند. این است رسالت بزرگی که لاهونتین در حکایت‌های تمثیلی خود بر عهده می گیر د.

\* \* \*

### سرچشمه‌های حکایت‌های تمثیلی لاهونتین

در پیش گفتار دفتر دوم کتابش ، لاهونتین چنین می نویسد: " بسه حکم حق شناسی باید اظهار نمایم که بخش مهمی از حکایت‌های این دفتر را مدیون " پیل پای " ( Le sage pilpay ) ، حکیم هندی هستم . و اما اثر این حکیم هندی به تمام زبانهای دنیا برگردانده شده و هندوان را عقیده برآنست که او خیلی قدیمتر از " اژوپ ( Esope ) ، حکیم یونانی ، بوده و سبک و روشی کاملاً نو و متفاوت دارد، مگر آنکه اژوپ خود نام مستعاری باشد از حکیم معروف مشرق زمین ، لقمان.<sup>(۱)</sup> از طرفی در مقدمه " پنچتنترا " ( panchatantra ) یا پنج کتاب تالیف دکتر ایندوشیکهر می خوانیم :

" چون سر آغاز ادبیات هند همان سروده های " ودا " است لذا

سعی و کوشش محققان همواره بر آن بوده تا سرچشمه این حکایتها را نیز در کتاب "ودا" جستجو کنند. به علاوه آنکه در اکثر حکایتهای این کتاب جانوران نقش انسان را ایفا می‌کنند و آدمیان از زبان جانوران سخن می‌گویند، مثلاً مناجات برهمن در وقت نماز شبیه به صدای قورباغه در فصل باران می‌شود که نمادی است از رابطه انسان با همزیستانش در طبیعت.

بدیهی است کسانی که با طبیعت دمسازند، زندگی‌شان بایستی از زندگی همه مخلوقات رنگی پذیرفته باشد و این همان چیزی است که در "اوپانیشاد" ها و "برهمن" ها بخوبی مشهود است: موضوع آنها جملگی مربوط به زندگی جانوران در عالم هستی بوده و غالباً بصورت تمثیل و کنایه نقل شده است. بر سبیل مثال می‌بینیم سگهایی را که در به در دنبال سلطانی می‌گردند تا برایشان آب و غذا تهیه کند یا آن زاهد جوانی را که از گاو نر و مرغ آتشخوار و پرنده آبی‌پند و اندرز طلب می‌کند! هر چند که صبغه اخلاقی-تربیتی این حکایتها روشن نیست ولی آنچه مسلم است و اهمیت دارد آنستکه برای نخستین بار در فرهنگ نوشتاری انسانها، جانوران از عقول و شعور برخوردار می‌گردند. جانوران دوش به دوش انسانها در مسیر حیات راه می‌روند و آنها را در پیچ و خم این مسیریاری می‌کنند، حتی در پاره‌ای از گاتها و در اوستا می‌بینیم جانورانی را که رشته سخن را به دست گرفته با انسانها به بحث و گفتگو می‌پردازند. تنها در نوع حماسه سرایی است که حکایتهای تمثیلی رنگ اخلاقی-تربیتی به خود گرفته بصورت داستان در می‌آیند و چون مقولاتی از قبیل اخلاقیات و مذهب از خصوصیات هندوان باستانی است لذا داستانهای حماسی آنها اغلب از معنویات و الهیات الهام می‌گیرند (\* ) و

\* از آنجمله میتوانیم از داستانهای منتسب به لقمان حکیم یا بهلول دانای خودمان یاد کنیم (نگارنده).

درست به همین دلیل است که این داستانها گذشته از جنبه سرگرمی ، از یک خصلت عبرت آموزی و ارشادی نیز برخوردارند ( ... ) بطور دقیق نمی توان گفت این داستانها از چه تاریخی و به چه نحوی رنگ اخلاقی و عبرت آموز بخود گرفته اند و چگونه از نثر و شعر استفاده کرده اند . در غالب آنها برای نقل وروایت از زبان نثر و برای پند و انسدرزاز کسوت نظم بهره گرفته شده است . اما حتی امروزه که نثر اهمیت بیشتری یافته ، شرقیها هنوز دوست دارند گفته های بزرگان و ضرب - المثلها را در قالب شعر بخاطر بسپارند (...)

پس بطور خلاصه می توان گفت مقصود و نیت نهایی ایمن داستانها نمودن و نشان دادن خوب و بد ، کژ و راست بر انسانها و ارتقاء آنها به مدارج و مراتب والای معنوی و اخلاقی در زندگی است . از مشخصه های بارز این داستانها متصف نمودن جانوران به صفات انسانی است . از پدید آوردگان آنها جز این هم انتظاری نمی رفت ، چه آنها که در تماس نزدیک و دائمی با طبیعت بودند نمی توانستند نسبت به موجودات آن بی تفاوت باشند و جای شگفتی نیست اگر در جایی می بینیم مثلا گربه سروده های مقدس " ودا " را زمزمه کرده شعائر دینی را بجا می آورد ( \* ) و یا درجایی دیگر به جانورانی بر می خوریم که سخت سرگرم بحثهای اخلاقی هستند و در باب معایب و مفاسد آدمیان زبان به طعن و هجو گشوده ویاگاهی ریا و تزویر طبقه برهمنان و ضعف نفس درباریان و بیوفایی زنان را به باد انتقاد گرفته اند ... " (۲)

چنانکه می بینیم موضوع و مقصد و مقصود در هر دو دسته از حکایتهای تمثیلی ( لاهوتن و پنچنتنرا ) یکی است و چون امروز مسجل گشته که " پنچنتنرا " مبنای اصلی حکایتهای تمثیلی کلیسه و

دمنه ( \* ): می باشد بنابراین هیچگونه شک و شبهه‌ای در ریشه‌های در ریشه‌های هندی لاقل بخشی از حکایت‌های ( Fables ) لافونتن باقی نمی ماند، بویژه آنکه خود وی بروشنی و صراحت تمام بدان معترف است ( \*\* ) اما مآخذ لافونتن در حکایت‌های هندی الاصلش ، بنظر می رسد یکی همان " انوار سهیلی " اثر حسین کاشفی مربوط به سده، پانزدهم میلادی ( برابر سده، دهم هجری قمری ) باشد که چهار فصل اول به علاوه دیباچه آن در سده، هفدهم میلادی ( ۱۶۴۴ ) توسط یک جهانگرد فرانسوی بنام " گلن " تحت نام مستعار " داود ساعد ( یا صاعد ) اصفهانی " به زبان فرانسه برگردانده شده است . متن کامل همین کتاب ، چندی بعد ، در ترکیه عثمانی توسط شخصی بنام علی چلبی که در شهر " آندرینوپل " به حرفه معلمی اشتغال داشت به زبان ترکی ترجمه و تحت عنوان " همایون نامه " از سوی مترجم — سلطان سلیمان اول اهداء می شود .

فرانسوی دیگری بنام " گالان " که مترجم داستانهای هزار و یکشب نیز هست ، باز چهار فصل آغازین از اثر مزبور همراه با دیباچه آنرا با استفاده از ترجمه " گلن " به فرانسه برمی گرداند. تا اینکه سرانجام " کاردون " با ترجمه کامل " همایون نامه " ( روایت ترکی انوار سهیلی ) کار دو هموطن پیشین خود را تکمیل می کند که ترجمه، اخیر پس از مرگ مترجم یعنی در سال ۱۷۷۸ میلادی زیر عنوان " همایون نامه : قصه ها و حکایت‌های هندی از بیدپای واز لقمان حکیم ، به اقتباس از ترجمه علی چلبی ، نویسنده ترک " \* نگاه کنید: " کلیله و دمنه از نسخه نصراله منشی " به اهتمام مرحوم مجتبی مینوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران ( ۹۲۵ ) ، ۱۳۴۳ مقدمه مصحح و شارح کتاب ( ز - یط ) آخرین چاپ سال ۱۳۵۶ ، ایضاً: " درباره کلیله و دمنه " نوشته محمدجعفر محجوب تهران ، خوارزمی ، ۱۳۴۹ ( صفحات ۲۴ - ۱۱ )

انتشار می‌یابد.

آقای محمدجعفر محجوب در این باره ، بدون ذکر ماخذ ، به نکته‌ای بس مهم اشاره کرده می‌نویسد : " همایون نامه از طرف سلطان سلیمان اول به لویی چهاردهم ، امپراطور مقتدر فرانسه و به دستور این پادشاه به زبان فرانسوی ترجمه شد و لافونتن برای سرودن منظومه - های خویش از آن بهره فراوان برد ... " (۳)

و اما ماخذ دیگر " لافونتن " در این رابطه می‌تواند کتـاب " فلسفه افسانه‌وار " ( \* ) اثر درام نویس و مترجم فرانسوی بنام " پیردولاریوه ۱۶۵۹ - ۱۵۴۰ " Pierre de Larivey " باشد . که ظاهراً بیشتر در زمینه زبان طنز و شیوه نگارش از آن بهره جسته است .

در واقع کتاب اخیر نیز ریشه در کلیله و دمنه دارد، از آنجهت که ترجمه‌ای از کلیله و دمنه به عبرانی از یک مترجم آلمانی موسوم به " درنبرگ Derenbourg " ( علی الظاهر یکی از اسـتـلاف خاور شناس فرانسوی زبان آلمانی تبار در قرن ۱۹ ) که در همان او ان نشر می‌یابد بلا فاصله توسط " ژان دوکاپو " ( \*\* ) فرانسوی زیـر عنوان " راهنمای زندگی انسانها " به زبان لاتین ترجمه شده و از سوی نقالان و قصه پردازان دوره رنسانس مورد استفاده بسیار قرار می‌گیرد . تقریباً همزمان همین ترجمه لاتینی از روایت عبرانی کلیله و دمنسه منشاء و مبنای اثر دیگری خواهد شد به زبان استانبولی ( \*\*\* ) که بنوبه خود توسط یک مترجم ایتالیایی از اهالی فلورانس بنام

\* Philosophie fabuleuse

\*\* Directorium humanae vite (Guide de la Vie humaine par; J. de Capoue

\*\*\* Exemplario contra los enganos y peligros del mundo.

" آنچه فیرنزولا " به زبان ایتالیایی در حقیقت بازآفرینی خواهد شد. آنگاه مترجم دیگری از ایتالیا بنام " دونی " بر روی یک اثر تقلیدی از ژان دوکاپوی فرانسوی که به خطا به حکیمی هندی موسوم به " سندباد " نسبت داده شده است به همان شیوه باز آفرینی عمل نموده ، اثر تازه‌ای را تحت عنوان " فلسفه اخلاقی در باب دوستی و چیزهایی ازین قبیل " ( \* ) بوجود خواهد آورد. تا اینکه سرانجام " پیرلاریوه " ی فرانسوی با استفاده از همان شیوه آزاد و رها از قید و بند ترجمه تحت اللفظی و با اقتباس از " بازآفرینی " های دو مترجم مذکور ایتالیایی از روایت عبرانی کلیده و دمنه ، مجموعه حکایات تمثیلی خود را تحت عنوان " فلسفه افسانه‌وار " - ( Philosophie fabuleus ) تالیف می کند که چنانکه گفتیم آن نیز به احتمال قوی مورد رجوع و استفاده " ژان دولافونتن " در تصنیف حکایتهای تمثیلی ( Fables ) قرار می گیرد.

---

\* - Filosofia morale tratta damoltiantichi scrittori.



## یادداشتها

- ۱- Les Fables de J. De La Fontaine  
چاپ پاریس ۱۹۵۹ ، انتشارات کلاسیک گارنیه ( Classique Garnier )  
- نگاه کنید به مقدمه این اثر ( جلد اول )
- ۲- " پنچتنترا " ( Panchatantra ) تالیف دکتر ایندوشیکهر ،  
تهران ۱۳۴۱ انتشارات دانشگاه تهران ( شماره ۷۱۵ ) نگاه کنید  
به مقدمه کتاب .
- ۳- محمد جعفر محبوب ، اثر یاد شده ( تهران ، چاپ خوارزمی ،  
ص ۲۳۱ ) .

